

## جوانی هم بهاری بود و بگذشت ...

بیاید یاد بگیریم که جوان ایرانی، سرمایه‌ای است که در صورت عدم مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی درست و همچنین قرار نگرفتن در چرخه توسعه، موجبات پسرفت جامعه را فراهم خواهد آورد.

۲) مشکلات آموزشی اعم از نظام آموزش و پرورش، آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای  
۳) مسایل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کشور، اعم از بیکاری، قیمت‌های سرسام‌آور مسکن، ازدواج و وضعیت نابسامان جامعه  
۴) بحران هویت، اعتیاد، بزهکاری و مواجهه با بحران‌های فراگیر اجتماعی

در وهله اول، در پاسخ به این سؤال که «آیا جوانی، تنها نوعی طبقه‌بندی سنی قلمداد می‌شود و یا به عنوان طبقه‌ای از برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که در راستای تدوین یک استراتژی مشخص و ارایه یک برنامه زمان‌بندی معلوم و دقیق، در بستر توسعه و شکوفایی کشور می‌باشد؟» متأسفانه باید گفت، نقش و جایگاه مهمترین پتانسیل کشور در زمینه مسایل اجتماعی و اقتصادی، تاکنون نامطمئن، متزلزل و به دور از اعتماد بوده است، در حالی که تحولات توأم با پیشرفت یک جامعه، به امکان مشارکت فعال جوانان از ابعاد مختلف و فعال شدن جریان قدرت اجتماعی و اقتصادی جوانان آن جامعه وابسته است. آنچه تاکنون با آن مواجه بوده‌ایم، نوعی بی‌بندوباری سیاستی در راستای اتخاذ تصمیمی واحد برای قشر جوان بوده است؛ قشری که بخش اعظم کشور را به خود اختصاص می‌دهد. در این راستا، می‌توان موارد زیر را جزو مهمترین مسایل جوانان کشور نام برد:

۱) فرافکنی در مورد مسایل جوانان و عدم ارایه الگوهای مؤثر و اجرایی در رابطه با حل بحران‌های مربوط به آنان

### جوانان، معضلات و راهکارها

عنوان	ابعاد مشکلات جوانان	راهکارها
<b>اشتغال</b>	شکاف بین عرضه و تقاضای کار در بازار افزایش فرسودگی شغلی جوانان و عدم رضایتمندی جمعیت شاغل کنونی جذب به اقتصاد پررخت دولتی	تدوین برنامه تشویق جوانان به کارآفرینی تدوین یک استراتژی پنج ساله اشتغال و تأسیس صندوق اشتغال با استفاده از منابع نفتی کشور، حمایت از نگاه‌های اقتصادی و ارایه مشوق‌های اعتباری، بانکی، مالیاتی و بازاریابی اصلاح قانون کار و توقف تفرقه افکنی بین کارمند و کارفرما
<b>نیروی جوان</b>	اقسام غیرمتعارف کاری اعم از کاذب و موقتی، کار سخت با حقوق اندک ناآگاهی جوانان از حقوق اجتماعی و اقتصادیشان ضعف بخش خصوصی برای جذب جوانان محیط کسب و کار نابسامان، دولتی و دستوری حذف الزامات اشتغال نظیر بیمه، اضافه‌کاری، عیدی و پاداش مهارت‌های ضعیف جوانان برای ورود به بازار کار	تدوین قوانین محکم و متقن با پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی برای نظارت بر وضعیت نیروی کار، بررسی میزان رضایت شغلی و درآمدی و بررسی شرایط بیمه‌ای و تشویقی نیروی کار اصلاح محیط کسب و کار، خصوصاً رفع تورم با سیاست‌های منضبط دولت تعریف ساعات قانونی کار و الزام کارفرما به پرداخت متناسب دستمزد، تعریف تعرفه‌های نیروی کار و اخذ تعهد از کارفرما برای اجرای قوانین تعرفه‌ای حقوق
<b>مشکلات اقتصادی و اجتماعی</b>	ازدواج دیرهنگام، پرهزینه و نامتناسب با بودجه جوان خرید تقریباً غیرممکن مسکن و اجاره‌های سرسام‌آور مخارج رو به رشد زندگی، تورم فزاینده و عدم اعتماد به آینده طلاق، عدم تقاضم طرفین به دلیل مسایل و فشارهای مالی و ناسازگاری‌های خانوادگی	توقف مداخلات غیرمنطقی و مقطعی در امور جوانان، بسترسازی سالم و مستمر برای تشکیل خانواده تشویق انبوه‌سازان در جهت ساخت مسکن و یژه برای جوانان و حمایت مالی سرمایه‌گذاران و ارایه مشوق در امر ساخت و ساز مسکن جوانان
<b>آموزش</b>	مشکلات فضای آموزشی و افزایش کمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، بدون توجه به کیفیت رتبه علمی غیراستاندارد برخی استادان و مربیان آموزشی ضعف یادگیری عملی در کنار فراگیری‌های تئوریک و دانشگاهی ضعف جایگاه تحقیق و پژوهش در بین استادان و دانشجویان افزایش ظرفیت ورودی و خروجی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، بدون بهبود کیفیت	توجه ویژه به کیفیت آموزش، تحقیق و پژوهش در کشور متناسب با راهکارهای علمی و فن‌آوری مورد نیاز بازار کار تعریف استاندارد رتبه علمی و توجه ویژه به جایگاه علمی هر گرایش و مدرک تحصیلی ورود علم به صحنه عمل و ارتقای کارایی علوم دانشگاهی تعریف شیوه‌های متناسب و هماهنگ تدریس تعریف مبنای سطح علمی برای فارغ‌التحصیل، نه نمره آزمون
<b>حقوق و مشارکت اجتماعی</b>	چشم دوختن به دست دولت عدم شناخت جوانان از نقش اجتماعی خود و همچنین حقوق مرتبط با خود عدم نگاه شایسته‌سالاری و جوان‌مداری اصولی و منطقی به جوانان تفکیک و تجزیه جوانان بر مبنای اصول غیرعلمی و غیرمفید و ایجاد انشعاب در این قشر عدم تعریف جامع از نخبگان و طبقه‌بندی بر حسب الگوهای ارزشی به جای الگوهای مؤثر و علمی ضعف مشارکت جوانان در پروسه‌های اجتماعی و سیاسی و عدم مداخله تفکرات جوان‌مدار در مسایل راهبردی کشور	تعریف واحدهای درسی و آموزشی جوانان با هدف معرفی نقش جوانان در جامعه، قوانین و جایگاه اجتماعی آنان تعیین سطح توانایی و شایستگی جوانان با تعریف استانداردهای شایستگی و توانایی علمی مدیریت و انتخاب سطوح بالای استانداردهای مذکور در جایگاه مشاوره‌ای، مدیریتی و اجرایی
<b>بحران هویت</b>	ناهنجاری‌های تربیتی و ضعف جایگاه پرورش در نظام آموزش و پرورش کشور عدم عرضه مناسب محصولات فرهنگی، روانشناختی، مذهبی و فکری عدم تعریف الگوی قابل قبول و در دسترس برای جوانان شکاف فرهنگی داخلی و بین‌المللی و سعی در تثبیت دستوری فرهنگ جوان ایرانی ضعف امکانات فراغتی و سرگرمی‌های سنی جوان	حذف فعالیت‌های موزای و درعین حال تأثیرگذار بر مولات پرورشی و فرهنگی و اختصاص بودجه‌های در شرف اسراف سازمان‌های ذریع به سازمان‌های مؤثر تولید، نشر و تبلیغ الگوهای فرهنگی متناسب با اقیابات جهانی و حتی الگوبرداری از جوانان موفق در سطح جهان شخصیت‌بخشی به جوانان و توجه به نقش اصلی آنان در جامعه به جای عیب‌جویی و برخورد‌های قضایی و انتظامی در قالب طرح‌های امنیتی در جامعه پرننگ شدن نقش آموزش و پرورش و ارتقای جایگاه آن
<b>پدیده‌های مخرب اجتماعی و فردی</b>	بروز اعتیاد به انواع مواد مخدر و روانگردان، خصوصاً در بین جوانان بزهکاری‌های اجتماعی نظیر سرقت، سوء استفاده‌های جنسی و خودفروشی با نیت کسب درآمد بروز انواع بیماری‌های روحی و روانی نظیر افسردگی، عدم اعتماد به نفس و ناامیدی در بین جوانان	مبارزه بنیادی با ورود مواد مخدر، تولید و توزیع این ماده شوم فرهنگ سازی طرف تقاضا بازتوانی بیماران معتاد، تأمین زنان بی‌سرپرست و خودسرپرست، تقویت جایگاه بازپرداخت‌های انتقالی دولت و ارایه فن و هنر و تقویت پتانسیل‌های کاری افراد

## آتش زیر خاکستر

گسترش روزافزون آسیب پذیری های اجتماعی و فرهنگی جوانان، ریشه در بحران های اقتصادی آنان دارد. توجه صرف به مسایل روانشناختی این طبقه از جامعه، بدون ریشه یابی و آسیب شناسی های اقتصادی، حرکتی غیراصیل است. نگرانی های روزافزون جوانان از آینده، بحران های اقتصادی حاکم بر کشور و مسایل روانی و بعضاً سیاسی حاکم بر این طبقه، منجر به نوعی از خودگریزی پایدار شده است. در این راستا، با اشاره به دردهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می توان ضمن ارایه راهکارهای مناسب، به تدوین روش های نوآورانه ای پرداخت که به تضمین اهداف کوتاه مدت و بلندمدت تأمین آینده جوانان بینجامد.

از طرفی موفقیت "مهندسی فرهنگی" در ابهام قرار دارد و اگر منطقی فکر کنیم، امکان پذیر نخواهد بود. طرح های امنیت اجتماعی مطلوب هستند ولی هراساندن جوانان دختر و پسر از طرف دولت نمی تواند بزرگوارانه باشد و ناخواسته عقده هایی را در دل جوانان نطفه گذاری می کند. در این صورت آنها یا رادیکال می شوند یا خلاقیت، شادابی، نشاط و نوآوری - هر آنچه یک "جوان" را تعریف می کند - از جامعه رخت بر می بندد.

به عبارت دیگر رفتار دولت ها نباید منجر به شعله ور شدن آتش زیر خاکستر یا برودت قلب ها و احساسات جوانان بشود. در حالی که نقش مراکز قضایی و انتظامی کشور، نقشی عملی است و با طرح هایی چون امنیت اجتماعی و برخوردهای انتظامی نمود پیدا می کند، اما همواره این سؤال بی پاسخ مانده است که ما برای جوانان چه کرده ایم؟

تأمین امنیت اجتماع، مهم و حتی واجب است و این امر بر هیچ کس پوشیده نیست، اما برخوردهای امنیتی با مسایل جوانان پسندیده نیست. آنچه جوان ایرانی را امیدوار به فرایندی روشن خواهد کرد، اثرگذاری بر آینده کشور و بر طرح و سیمای ملی ایران در پهنه گیتی می باشد.

سال ها مسأله خودی و ناخودی توسط برخی از دولتمردان مطرح می شود. البته

اگرچه صحبتی از این تمییز و تمایز در کشور نمی شود ولی استثنائات ادامه دارد. علاوه بر این گونه مسایل، دولت نهم تبلیغات جدیدی را در مورد جوانان نخبه، مشاوران جوان و امثالهم شروع کرد که این خود نیز بحران گسترده ای را در بین جوانان کشور آغاز کرده است.

## جهانی و ملی

ناید فراموش کرد که تأثیرات جهانی و تحولات منطقه ای و فرامنطقه ای، با گذشت زمان و با ورود تکنولوژی های برتر ارتباطی که جهان را به دهکده کوچکی بدل کرده است، بیش از گذشته جوانان ایرانی را در میدان مسابقه جهانی، پسرته نشان می دهد.

متأسفانه بسیاری از جوانان ایرانی، فاقد اطلاعات، راهنمایی و مشاوره های لازم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می باشند، در حالی که فقدان این امر مهم در مراحل مختلفی چون، تحصیل، ازدواج، انتخاب شغل و تدوین برنامه راهبردی در مسیر زندگی کاملاً محسوس است.

شرایط نابسامان در عرصه اقتصاد و به طور خاص در زمینه اشتغال، منجر به عدم تکاپوی جوانان در جهت کسب تجربه و آموزش مفید برای بازار کار شده است که این امر، ناشی از عدم اطمینان آنان برای آینده کشور می باشد. پُر واضح است که عدم کسب تجربه کاری نیز خودبه خود، ورود به بازار کار را سخت تر کرده و در شرایط عدم رقابت در بازار، منجر به تشکیل نیروی کاری تجربه می شود.

سازمان ملی جوانان که به عنوان تنها متولی رسمی امور جوانان می باشد، متأسفانه به مرکز بایگانی اطلاعات، آمار، مقالات بعضاً غیرکاربردی و به عبارتی بانک ایده تبدیل شده است. هزاران مقاله و تحلیل غیرکاربردی و پیشنهاداتی که بسیاری از آنها حتی پایه علمی هم ندارند و تعریف استراتژی های متعدد، موزی و حتی در پاره ای اوقات متضاد، راهکار حل معضل جوانان ایرانی نیست. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران»، را در رابطه با «جوانان، چالش ها و فرصت ها» در صفحات ۳۰ - ۲۳ می خوانیم.

## مالیات بر ارزش افزوده

## VAT در مقابل مالیات بر فروش



از نگاه آقای غلامرضا سلامی، رییس شورای عالی انجمن حسابداران خبره و عضو شورای سیاست گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»، مالیات بر مبنای ارزش افزوده، علاوه بر وصول قسمت اعظم مالیات بر مصرف، امکان فرار مالیاتی را به حداقل می رساند.

مالیاتی که بر مبنای ارزش افزوده از حلقه های مختلف تولید اخذ می شود، دقیقاً برابر با مالیاتی است که نهایتاً به مصرف کننده تحمیل می شود. در حقیقت از آنجا که عوارض گمرکی و سود بازرگانی معاملات، در نهایت به مصرف کننده منتقل می شود، نوعی مالیات بر مصرف محسوب شده که این نوع مالیات، در اکثر کشورها - از جمله ایران - سال های متعددی، از مصرف و فروش کالاها و خدمات خاص اخذ گردیده است. مالیات بر مصرف و فروش که عمدتاً از کالاها و خدماتی مانند فرآورده های نفتی، اتومبیل، سیگار و نوشابه های غیر الکلی و خدماتی نظیر حق اشتراک و مکالمه تلفنی و نظایر آن گرفته می شود، اغلب از بنگاه هایی وصول می شود که یا کاملاً دولتی هستند و یا به نوعی تحت کنترل دولت می باشند. خصیصه مهم دیگر این نوع مالیات ها آن است که کالاها و خدمات مشمول آنها، عمدتاً کالاها و خدماتی هستند که به مصرف خانوار می رسند و کمتر، کالاها و خدمات واسطه ای قلمداد می شوند.

البته در بعضی از کشورهای پیشرفته صنعتی - نظیر بعضی از ایالت های آمریکا و کانادا - مالیات بر مصرف، به وسیله فروشنده نهایی کالا و خرده فروشان، از مصرف کننده وصول و به دولت پرداخت می شود، ولی عمده کشورهای که مالیات بر

## جلوگیری از تحمیل مالیات بر مصرف به تولیدکننده

به دلیل آن که نمی توان به آسانی زنجیره ارزش افزوده بنگاه های اقتصادی را به محصول نهایی و کالای واسطه ای تفکیک نمود، لذا چنانچه ناچار به اعمال مالیات بر فروش به تمامی تولیدات شویم، هزینه سنگینی را به تولیدکنندگان وارد نموده و در نهایت از طریق افزایش محسوس شاخص قیمت ها، فشار زیادی را به اقتصاد و مصرف کنندگان تحمیل خواهیم کرد. افزایش قیمت تمام شده، در مورد کالاهای پرکشش، به ورشکستگی بسیاری از بنگاه های اقتصادی منجر شده و در مورد